

تحلیل رابطه بین ارزش‌های زیست‌محیطی و نگرش نوین زیست‌محیطی (مطالعه‌ی موردی: ارومیه)

صادق صالحی^۱، سارا کریم‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۲۵، تاریخ تایید: ۹۳/۵/۲۵

چکیده

مقاله‌ی حاضر رابطه‌ی بین ارزش‌ها و نگرش‌های زیست‌محیطی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده است. برای بررسی تجربی رابطه‌ی میان دو متغیر، از روش پیمایش استفاده شده است. با توجه به ادبیات موضوع، متغیر ارزش زیست‌محیطی بر پایه‌ی مقیاس «کایزر» و همکاران و متغیر نگرش نوین زیست‌محیطی بر پایه‌ی مقیاس پارادایم جدید «دائپ و وان لایر» مورد سنجش قرار گرفته‌اند. محدوده‌ی جغرافیایی تحقیق حاضر را شهر ارومیه تشکیل می‌دهد که با توجه به گستره‌ی جغرافیایی، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای برای انتخاب نمونه‌ها استفاده گردید. داده‌های تحقیق با استفاده از پرسش‌نامه و از ۳۸۳ نفر از ساکنان شهری جمع‌آوری شدند. نتایج تحقیق نشان داد اول اینکه سطح ارزش زیست‌محیطی و نیز سطح نگرش زیست‌محیطی در بین افراد مورد بررسی بالاست، دوم اینکه رابطه‌ی مثبت و معناداری بین ارزش زیست‌محیطی افراد و نگرش نوین زیست‌محیطی آن‌ها وجود دارد. در ادامه‌ی مقاله، دلایل احتمالی بروز این نتیجه مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: ارزش زیست‌محیطی، نگرش نوین زیست‌محیطی، ارزش فرامادی، پیمایش، ارومیه.

۱. استادیار جامعه‌شناسی محیط زیست، دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول) s.salehi@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز s.karimzadeh@tabrizu.ac.ir

۱. استادیار جامعه‌شناسی محیط زیست، دانشگاه مازندران (نویسنده‌ی مسئول)
۲. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

مقدمه

از زمان آغاز جنبش زیست‌محیطی در سال‌های دهه‌ی ۷۰ میلادی، جامعه‌شناسان محیط زیست و روان‌شناسان اجتماعی محیط زیست، به منظور درک نیروهایی که باعث ایجاد نگرانی و دغدغه نسبت به موضوعات زیست‌محیطی در بین مردم می‌شوند، تلاش بسیاری کرده‌اند (شولتز^۱، زلزی^۲، ۱۹۹۹: ۱). برخلاف دهه‌های قبل، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر مسائل زیست‌محیطی بیش از پیش تبدیل به موضوع اجتماعی با اهمیتی برای طیف وسیعی از مردم شده است و افزون‌بر این، توجه و دقت‌نظر گسترده‌ای را از سوی محفل دانشگاهی و علمی دریافت کرده‌اند (اورین^۳، کیلبورن^۴، ۲۰۱۱: ۲). از سال‌های ۱۹۸۰ میلادی، رویکرد جدید مطالعه‌ی موضوعات زیست‌محیطی، راه‌های امیدبخشی پیش‌روی محققان گذاشته است و پرسش‌های بنیادی و اساسی را به پیش کشیده است (شولتز، زلزی، ۱۹۹۹: ۱). تحقیقات اخیر نیز به جای بررسی عمومی نگرش‌های مرتبط با موضوعات زیست‌محیطی، تلاش خود را به شناسایی ارزش‌هایی اساسی که پایه‌ای برای نگرش‌های زیست‌محیطی ایجاد می‌کنند، معطوف کرده‌اند (همان). به زعم شولتز و همکارانش (۱۹۹۹)، دو نفر می‌توانند در مورد موضوع‌های زیست‌محیطی، نگرانی و دغدغه‌ی یکسانی داشته باشند، اما با دلایل بنیادی متفاوت. از این‌رو بود که مطالعات مبتنی بر نگرش‌های مرتبط با موضوعات زیست‌محیطی، نوعی جایجایی از بررسی دغدغه‌های زیست‌محیطی در حالت کلی به سمت مفهوم‌سازی کاملاً متفاوتی از صورت‌بندی‌های نگرش زیست‌محیطی داشته‌اند (همان: ۲).

در ادامه همین مسیر رو به جلو بود که در طول ۳۰ سال اخیر در کنار سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی - اجتماعی یا به اصطلاح متغیرهای زمینه‌ای همچون جنس، سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، وضعیت شغلی، محل زندگی و درآمد، متغیرهای دیگری مانند ارزش‌ها و نیت‌ها نیز در مطالعات متعدد مورد توجه قرار گرفتند (اورین^۵، کیلبورن^۶، ۲۰۱۱: ۳). در این مطالعات، جهت‌گیری‌های ارزشی و ارتباط آن‌ها با دغدغه‌های زیست‌محیطی و رفتارهای حامی محیط زیست، توسط محققان بسیاری مورد قرار گرفته و نتایج مطالعات آن‌ها حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت بین این دو متغیر بوده است (نگاه شود به: پورتینگا^۷، استگ^۸ و ولک^۹،

1. Schultz
2. Zelezny
3. Urie
4. Kilbourn
5. Urie
6. Kilbourn
7. Poortinga
8. Steg
9. Velk

۲۰۰۴؛ شولتز و زلزنی، ۱۹۹۸؛ استرن^۱ و دایتز^۲، ۱۹۹۴). برخی از مطالعات پیشین نیز نشان داده‌اند که ارزش‌ها، نقش بسزایی در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی ایفا می‌کنند (هدلاند^۳، ۲۰۱۱:۳). در واقع ارزش‌ها مسئولیت شکل‌دهی بسیاری از انگیزه‌های درونی افراد را بر عهده دارند و به طور گسترده‌ای تحت تأثیر «خرده نظام»^۴ هایی هستند که در بردارنده‌ی شبکه‌ی اجتماعی بی‌واسطه‌ای از خانواده، همسایگان، گروه‌های همالان و ... است (کلموس^۵، آگیمان^۶، ۲۰۰۲). برخی دیگر از مطالعات نیز نشان داده‌اند که ارزش‌ها، در تبیین رفتارها و نگرش‌های زیست‌محیطی مختلفی سهم دارند. مقیاس‌های ارزش «روکاچ»^۷ (۱۹۷۳)، شوارتز (۱۹۹۴)، به منظور تبیین دغدغه‌ی زیست‌محیطی عام^۸ (شولتز و زلزنی، ۱۹۹۹) و همچنین برای تبیین نگرش‌ها و باورهای زیست‌محیطی خاص، به گونه‌ی موفقیت‌آمیزی به کار گرفته شده‌اند (استرن و دایتز، ۱۹۹۴؛ استرن، دایتز، گواگنانو^۹، ۱۹۹۵). کارپ^{۱۰} (۱۹۹۶) استدلال می‌کند که ارزش‌های شوارتز به گونه‌ی معناداری با رفتارهای خود-اظهاری^{۱۱} متعددی مانند رفتار بازیافتی^{۱۲}، رفتار مصرف و رفتارهای سیاسی، به منظور حفاظت از محیط زیست، همبستگی دارند (پورتینگا و همکاران، ۲۰۰۴). مطالعات دیگر نشان می‌دهند که ارزش‌ها با رفتار بازیافت (دائلپ^{۱۳}، گرینیکیز^{۱۴} و روکاچ، ۱۹۸۳) و تمایل مردم در اقدام برای محافظت از محیط زیست (استرن و دایتز، ۱۹۹۴) رابطه دارند (همان).

با توجه به اهمیت تأثیر ارزش‌های زیست‌محیطی در شکل‌دهی نگرش افراد نسبت به محیط زیست از یکسو و اهمیت و جذابیت درک میزان ارتباط ارزش‌های زیست‌محیطی با نگرش نوین زیست‌محیطی، تحقیق حاضر درصدد است تا ارتباط این متغیر را در سطح شهر/رومیة مورد بررسی قرار دهد. همان‌طور که ملاحظه شد، مطالعات جامعه‌شناسی محیط زیست در این خصوص، بیشتر در آمریکا و کشورهای غربی صورت پذیرفته است و تحقیق حاضر برای نخستین بار در سطح جامعه‌ی ایرانی و به صورت مطالعه‌ی موردی در شهر/رومیة به این موضوع

1. Stern
2. Dietz
3. Hedlund
4. Microsystem
5. Kollmuss
6. Agyeman
7. Rokeach
8. General environmental attitudes
9. Guagnano
10. Karp
11. Self - reported
12. Recycling behavior
13. Dunlap
14. Grieneeks

می‌پردازد. بنابراین انتظار می‌رود که سنجش میزان و درجه‌ی ارزش زیست‌محیطی افراد و نیز میزان اثرگذاری آن بر روی نگرش نوین زیست‌محیطی بتواند نقش مهمی در پیش‌بینی و شناخت فرآیند پیچیده‌ی عوامل تأثیرگذار بر رفتار افراد داشته باشد.

چارچوب نظری

در پاسخ به این پرسش که چه چیزی نگرش‌های زیست‌محیطی را شکل می‌دهد، نتایج تحقیقات گذشته پاسخ‌های گوناگونی ارائه می‌دهد. کلایتون^۱ و مایرز^۲ (۱۳۹۰) معتقدند که به‌طور کلی متغیرهای جمعیت‌شناختی رابطه‌ی ضعیفی با آن دارند. پاسخ‌دهندگان جوان‌تر و دارای تحصیلات بالاتر، بیشتر حامی محیط زیست هستند و به‌طور متوسط، زنان علاقه‌ی بیشتری نسبت به محیط زیست نشان می‌دهند. اما این تأثیر اندک بوده و همیشه هم مشاهده نمی‌شود (ص. ۳۱). در سال‌های اخیر، رابطه‌ی بین ارزش‌ها و نگرش‌های زیست‌محیطی توسط محققان مختلف مورد آزمون قرار گرفته است (گرانرت^۳ و جول^۴، ۱۹۹۵؛ نوردلند^۵ و گارویل^۶، ۲۰۰۲؛ شولتز و زلنی، ۲۰۰۳) و بسیاری از محققان معتقدند که نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی، به ارزش‌های افراد وابسته هستند (دانلپ، گرینیکز، روکاج، ۱۹۸۳؛ کارپ، ۱۹۹۶؛ شولتز، زلنی، ۱۹۹۹؛ استرن^۷، ۲۰۰۰). به‌طور کلی، میزان قابل‌ملاحظه‌ای از تحقیقات درباره‌ی نگرش‌های زیست‌محیطی نیز بر روی ارزش‌هایی متمرکزند که به عنوان عوامل تعیین‌کننده‌ی اساسی نگرش‌ها، رفتارها و باورها در نظر گرفته می‌شوند (شولتز و همکاران، ۲۰۰۵). در این مطالعات، ارزش‌ها اغلب به مثابه‌ی اهداف یا استانداردهای مهم زندگی که به منزله‌ی اصول هدایت‌کننده‌ی زندگی شخص هستند، مفهوم‌سازی می‌شوند (روکیچ، ۱۹۷۳). آن‌ها جدای از نگرش‌ها یا باورها بوده و نوعاً به منزله‌ی عوامل تعیین‌کننده‌ی رفتارها و نگرش‌ها مد نظر قرار می‌گیرند (السن^۸ و زانا^۹، ۱۹۹۴). سوارتنز (۱۹۹۲، ۱۹۹۴)، در ادامه‌ی کار اولیه‌ی روکاج (۱۹۷۳) درباره‌ی ساختار ارزش‌ها، ابزاری برای سنجش ابعاد ارزش‌هایی که جهان شمول هستند طراحی کرده است. این ابزار از ۵۲ گویه‌ی مرتبط با ارزش که ۱۰ نوع ارزش را معرفی می‌کنند، تشکیل شده است. پاسخگویان بر اساس طیف لیکرت بر پایه‌ی اهمیت هر گویه- ارزش، مورد

1. Clayton
2. Myers
3. Grunert
4. Juhl
5. Nordlund
6. Gravill
7. Stern
8. Olson
9. Zanna

پرسش قرار می‌گیرند. شو/رتز در نهایت استدلال می‌آورد که این ۱۰ نوع ارزش می‌توانند به چهار دسته‌ی ارزشی تقلیل یابند (شو/رتز، ۱۹۹۴). این چهار دسته عبارتند از: باز بودن برای تغییر^۱، محافظه‌گرایی^۲، خودتعالی^۳، خودافزایی^۴. باز بودن برای تغییر شامل خود-راهبری^۵ و انگیزش^۶ است و با گویه‌های ارزشی همچون خلاقیت^۷، کنجکاوی^۸ و تنوع در زندگی^۹ سنجیده می‌شود. محافظه‌گرایی شامل هم‌نوایی^{۱۰}، سنت‌گرایی^{۱۱} و امنیت^{۱۲} است. خود-تعالی دربرگیرنده‌ی عام‌گرایی^{۱۳} و خیرخواهی^{۱۴} است، در حالی که خودافزایی، قدرت^{۱۵} و دستیابی^{۱۶} را در برمی‌گیرد (همان: ۲). همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد در اینجا ارزش‌ها نوعاً به منزله‌ی استانداردها و اهداف مهم زندگی‌اند که به مثابه‌ی راهنمای اصول زندگی مفهوم‌سازی می‌شوند (برای نمونه رو کاج، ۱۹۷۳). برای نمونه، آن‌ها می‌توانند پایه‌هایی برای شاکله‌ی نگرش‌ها ایجاد کنند و همچنین دستورعمل‌هایی برای رفتار ارائه دهند (پورتینگا و همکاران، ۲۰۰۴: ۲). در ادامه‌ی کار شو/رتز (۱۹۹۲) در رابطه با طبقه‌بندی ارزش‌های انسانی، استرن و همکارانش، شروع به استفاده از مدلی برای مطالعه‌ی نگرش‌ها و رفتارهای زیست‌محیطی کرده‌اند (شو/رتز و همکاران، ۲۰۰۵: ۳). استرن و دایتز (۱۹۹۴) در تلاش برای تدوین مدل گسترده‌ای برای تشریح رابطه‌ی بین ارزش‌ها و نگرش‌های زیست‌محیطی، نظریه‌ی ارزش-بنیان^{۱۷} را پیشنهاد کرده‌اند (استرن، دایتز، ۱۹۹۴؛ استرن، دایتز و کالوف^{۱۸}، ۱۹۹۳). تمرکز نظریه‌ی آن‌ها بر روی نگرش‌های زیست‌محیطی و رفتارها، نشأت گرفته از آگاهی نسبت به پیامدهای مضر در ارتباط با اشیاء با ارزش است. به زعم آن‌ها (۱۹۹۴)، نگرش‌های زیست‌محیطی نتیجه‌ی مجموعه‌ی کلی‌تر ارزش‌های فردی است. از نظر آن‌ها سه پایه‌ی مجزا برای نگرش‌های زیست‌محیطی

1. Openness to change
2. Conservatism
3. Self-transcendence
4. Self-enhancement
5. Self-direction
6. Stimulation
7. Creativity
8. Curiosity
9. Variety in life
10. Conformity
11. Traditionalism
12. Security
13. Universalism
14. Benevolence
15. Power
16. Achievement
17. Value-basis theory
18. Kalof

وجود دارد: فرد، مردم و سایر موجودات زنده. نگرش‌های زیست‌محیطی خود-محور^۱، نگرش‌های زیست‌محیطی اجتماعی-دیگر محور^۲ و در نهایت نگرش‌های زیست‌محور^۳ (کمیتون و همکاران^۴، ۱۹۹۴). در حالت کلی هرکدام از سه نوع نگرش مذکور، دغدغه‌ی زیست‌محیطی دارند، اما بر پایه‌ی ارزش‌های بنیانی متفاوت (شولتز و همکاران، ۲۰۰۵: ۴).

نظریه‌ی ارزش‌بنیان/استرن و دایتز (۱۹۹۴)، مسیر جدیدی پیش روی تحقیقات اجتماعی-روان‌شناختی درباره‌ی نگرش‌های زیست‌محیطی گذاشته است. چنین تحقیقی به‌طور مسلم باید با یافته‌های تحقیقات ۲۰ سال گذشته (بر مبنای مسلط‌ترین مقیاس سنجش نگرش، یعنی پارادایم نوین زیست‌محیطی^۵) مرتبط باشد. دانلپ و وان لایر^۶ (۱۹۷۸) و دانلپ و همکاران (۱۹۹۲) با ابداع این پارادایم در دهه‌ی ۸۰ مدعی شده بودند که دیدگاه جدیدی در جوامع غربی در مورد ارتباط بین انسان‌ها و محیط طبیعی در حال شکل‌گیری است. این پارادایم نوین در مقابل پارادایم پیشین مطرح شده بود که به عنوان پارادایم اجتماعی غالب، انسان‌ها را نوعی تافته‌ی جدابافته از طبیعت در نظر می‌گرفت. در این پارادایم نوین زیست‌محیطی، انسان‌ها به مثابه‌ی بخش جدایی‌ناپذیری از طبیعت تلقی می‌شوند. به زعم استرن و دایتز (۱۹۹۴) پارادایم جدید زیست‌محیطی به مفهوم زیست‌محوری آن‌ها بسیار نزدیک است. در کار/استرن (۱۹۹۵)، رفتار زیست‌محیطی به واسطه‌ی زنجیره‌ای علی از متغیرهای واسط، با ارزش‌ها در ارتباط است. مدل/استرن، ویژگی سلسله‌مراتبی دارد؛ بدین معنی که ارزش‌ها به گونه‌ای علی بر جهان‌بینی‌ها^۷، نگرش‌ها و باورهای خاص و در نهایت بر

1. Egoistic environmental attitudes

بر پایه‌ی باورهایی درباره‌ی احتمال تأثیر تخریب زیست‌محیطی بر فرد است. برای نمونه، محیط زیست باید مورد محافظت قرار گیرد، چون فرد نمی‌خواهد در هوای آلوده تنفس کند یا آب ناسالم بنوشد.

2. Social – altruistic Environmental attitudes

بر پایه‌ی منافع و اهداف انسانی است. در اینجا، حفاظت از محیط زیست به دلیل پیامدهای بلندمدتی که می‌تواند بر سایر مردم داشته باشد، اهمیت دارد.

3. Bio-centric attitudes

بر پایه‌ی ارزش ذاتی محیط زیست طبیعی است. بر مبنای این آموزه‌ها، انسان‌ها نباید به طبیعت آسیب برسانند، زیرا خود جزئی از طبیعت هستند و گونه‌های جانوری دیگر نیز حق ادامه‌ی حیات دارند.

4. Kempton et al.

5. New Environmental paradigm (NEP)

ظهور افکار جدید در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ در ایالات متحده که برخلاف پارادایم اجتماعی ضد اکولوژیکی غالب در آن سال‌ها بود و آن را به چالش می‌کشید و دانلپ و ون لیبیر برای تمایز این دیدگاه جدید که اختلاف‌های اساسی با پارادایم اجتماعی غالب آن دوران دارد، آن را پارادایم جدید زیست‌محیطی نامیده‌اند (دانلپ و ون لیبیر، ۱۹۷۸)

6. Van- Liere

7. Worldviews

رفتار، مقدم‌اند. این استدلال وجود دارد که ارزش‌ها و جهان‌بینی‌ها به منزله‌ی صافی بر سر راه اطلاعات جدید عمل می‌کنند و احتمال ظهور و شکل‌گیری باورها و نگرش‌های متجانس (مانند دغدغه و نگرانی درباره‌ی مسائل زیست‌محیطی خاص یا نگرش‌هایی در زمینه‌ی رفتارهای معین) را افزایش می‌دهند. در هر صورت، *استرن و همکارانش* (۱۹۹۵) مدل‌شان را با هدف خاص ترکیب مقیاس پارادایم جدید زیست‌محیطی^۱ (دانلپ و وان لایر، ۱۹۷۸) با یک چارچوب اجتماعی- روان‌شناختی گسترده، مطرح کردند.

به‌طور کلی، ادبیات مطالعات جامعه‌شناسی محیط زیست و نیز روان‌شناسی حفاظت از محیط زیست، نشان می‌دهد که ارزش‌های زیست‌محیطی در شکل‌گیری و هدایت نگرش زیست‌محیطی نقش ایفا می‌کنند. این رابطه در جوامع غربی و آمریکایی مورد آزمون تجربی قرار گرفته است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا این رابطه در یک شرایط اجتماعی- فرهنگی متفاوت مانند *ایران* (در سطح مطالعه‌ی موردی و در شهر/رومیة) که در پنج دهه‌ی اخیر از نظر وضعیت اجتماعی و فرهنگی یکی از مهمترین دوران‌های حیات خویش را تجربه کرده است و همواره در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بوده است (آزاد ارمکی، ظهیری‌نیا، ۸۹) نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد؟ در حالی که پاسخگویی به این پرسش هدف اصلی مقاله‌ی حاضر است، در این زمینه پرسش‌های دیگری نیز به شرح ذیل مطرح می‌گردد که به آن‌ها می‌پردازیم.

- سطح ارزش زیست‌محیطی پاسخگویان در بین شهروندان در چه حدی است؟
- سطح نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان در بین شهروندان در چه حدی است؟
- میزان تأثیر ارزش زیست‌محیطی بر نگرش زیست‌محیطی در چه حدی است؟

روش‌شناسی تحقیق

برای انجام پژوهش حاضر از روش پیمایش^۲ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این تحقیق را افراد ساکن مناطق شهری/رومیة تشکیل می‌دهند که تعداد آن‌ها مطابق با آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵) برابر با ۵۹۶۱۱۷ نفر است که از این تعداد، ۳۰۳۹۰۲ نفر را مردان و ۲۹۲۲۱۵ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول منطقی کوکران استفاده شد و در نتیجه تعداد ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه‌ی تحقیق تعیین شدند. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای^۳ استفاده شده است. از نظر زمانی، داده‌های تحقیق در تابستان ۱۳۸۹ جمع‌آوری شدند و ابزار جمع‌آوری اطلاعات نیز

1. New Environmental Paradigm Scale
2. Survey
3. Cluster Sampling

پرسش‌نامه بوده است. در تنظیم این پرسش‌نامه، پرسش‌های مربوط به ارزش‌های زیست‌محیطی با استفاده از گویه‌های ارزش‌های زیست‌محیطی کایزر^۱، ولفینگ^۲ و فوهرر^۳ (۱۹۹۹) و پرسش‌های مربوط به نگرش زیست‌محیطی با استفاده از مقیاس پارادایم نوین زیست‌محیطی دانلپ و وان لایر صورت پذیرفته است. برای تعیین میزان روایی، قبل از انجام تحقیق اصلی، پرسش‌نامه به صورت آزمایشی بر روی ۴۰ نفر از نمونه‌ها به اجرا درآمد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ (۰/۷۸) نشان داد که پرسش‌نامه‌ی تحقیق از روایی به نسبت بالایی برخوردار است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی (شامل جدول‌های فراوانی و ...) و نیز آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون و ...) استفاده شده است.

تعریف مفاهیم و سنجش متغیرها

با توجه به موضوع تحقیق، دو دسته مفاهیم کلیدی تحقیق با عناوین ارزش زیست‌محیطی و نگرش زیست‌محیطی به صورت زیر از نظر مفهومی و عملیاتی تعریف شدند. در اینجا متغیر اول یعنی ارزش زیست‌محیطی شامل جهت‌گیری‌های اساسی فرد در مورد محیط زیست و نشانگر جهان‌بینی وی در مورد جهان طبیعی است (بار و همکاران، ۲۰۰۳: ۳). از نظر عملیاتی، ارزش زیست‌محیطی با استفاده از هفت گویه‌ی ارزش‌های زیست‌محیطی کایزر، ولفینگ و فوهرر (۱۹۹۹)، مورد سنجش قرار گرفت که عبارتند از:

- تمام چیزها، خواه انسان باشند، خواه جانور یا گیاه یا صخره و سنگ، حق حیات دارند.
 - حیوانات باید حق قانونی حیات داشته باشند.
 - من در رابطه با تمام اعمالی که محیط زیست را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند، در مقابل آفریدگار آن‌ها مسئولیت دارم.
 - طبیعت حتی در جنبه‌های بی‌جان خود نیز باید مورد محافظت قرار بگیرد.
 - رشد حیوانات در قفس نباید قانونی اعلام شود.
 - سیاره‌ی زمین به خودی خود ارزشمند است و ارزش آن ربطی به انسان‌های روی آن ندارد.
 - تمام موجودات زنده با ارزش هستند و باید مورد محافظت قرار بگیرند.
- هر یک از آیتم‌های مذکور که در قالب گویه مورد پرسش قرار گرفته‌اند، بر روی یک مقیاس پنج درجه‌ای در سطح ترتیبی اندازه‌گیری شده‌اند. در اینجا ارزش زیست‌محیطی به عنوان یک متغیر وابسته، با جمع بستن پاسخ افراد نسبت به هفت گویه محاسبه شده است. بدین ترتیب متغیر جدید ارزش زیست‌محیطی بر روی مقیاسی قرار گرفته است که حداقل نمره‌ی آن ۷ و

1. Kaiser
2. Wolfing
3. Fuhrer

حداکثر نمره‌ی آن ۳۵ است. آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش ارزش زیست‌محیطی در این تحقیق، ۰/۷۸ است.

دومین متغیر مورد تعریف، یعنی نگرش زیست‌محیطی، عبارت است از مجموعه احساسات خوشایند یا ناخوشایند در مورد ویژگی‌های محیط فیزیکی یا مسائل مرتبط با آن (بلوم^۱، ۲۰۰۷: ۲). از نظر عملیاتی، در پژوهش حاضر نگرش زیست‌محیطی نمره‌ایست که آزمودنی در مقیاس ۱۵ گویه‌ای نگرش‌های زیست‌محیطی *دائپ* و *وان لایر* دریافت می‌کند. در حقیقت این شاخص به عنوان مقیاس اندازه‌گیری پارادایم اساسی یا نگرش جهانی به همراه گرایش‌ها، باورها و حتی ارزش‌های محیطی محسوب می‌شود. به طور خلاصه، سازگاری با اکولوژی یا «جهان را به صورت اکولوژیک دیدن» نمره‌ی بالایی را در شاخص پارادایم نوین زیست‌محیطی منعکس نموده و منجر به بروز عقاید و نگرش‌های حفظ محیط زیست می‌شود. گویه‌های سنجش نگرش زیست‌محیطی در پرسش‌نامه به شرح زیر است:

- ما در حال رسیدن به مرحله‌ای هستیم که کره‌ی زمین نمی‌تواند بیشتر از این نیازهای جمعیتی را برآورده سازد.
- انسان‌ها حق دارند که محیط طبیعی را طبق نیازهای خودشان تغییر دهند.
- دخل و تصرف انسان‌ها در طبیعت اغلب نتایج فاجعه‌آمیزی را به دنبال می‌آورد.
- برخی معتقدند که می‌توان با تکیه بر هوش و نبوغ انسانی تضمین کرد که زمین به محلی غیر قابل سکونت تبدیل نشود.
- تعادل طبیعت بسیار حساس بوده و به راحتی به هم می‌خورد.
- روزی فرا می‌رسد که انسان‌ها آگاهی کافی از نحوه‌ی عملکرد طبیعت به دست آورند.
- اگر همه‌چیز به همین منوالی که هست پیش برود، به زودی شاهد فاجعه‌ی زیست‌محیطی بزرگی خواهیم بود.
- انسان‌ها بیش از حد از محیط زیست سوءاستفاده می‌کنند.
- کره‌ی زمین دارای منابع طبیعی فراوان و بی‌کران است و ما فقط باید نحوه‌ی استفاده از آن‌ها را بدانیم.
- گیاهان و حیوانات به اندازه‌ی انسان حق حیات دارند.
- تعادل و توازن طبیعت به حدی است که می‌تواند مقابل تأثیرات منفی کشورهای مدرن ایستادگی کند.
- انسان‌ها برای حفظ و ادامه‌ی بقا نیازی به هماهنگی با طبیعت ندارند.

- در مورد بحران زیست‌محیطی مبالغه و بزرگ‌نمایی بسیاری شده است.
 - کره‌ی زمین شبیه یک سفینه‌ی فضایی است که منابع و فضای آن محدود است.
 - هدف انسان‌ها باید این باشد که مابقی طبیعت را تحت کنترل و سیطره‌ی خود درآورند.
- همانند متغیر ارزش زیست‌محیطی، در اینجا نیز در ارتباط با هر یک از آیتم‌های بالا، پاسخ‌ها بر پایه‌ی طیف پنج‌قسمتی لیکرت یعنی از کاملاً مخالفم (با کد ۱) تا کاملاً موافقم (با کد ۵) طبقه‌بندی شده‌اند. دامنه‌ی نمرات این طیف نیز از ۱۵ تا ۷۵ تعریف می‌شود. برای سنجش روایی گویه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شده است و نتیجه‌ی آزمون نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ گویه‌های سنجش نگرش محیط زیستی در این تحقیق، ۰/۷۳ است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌ها و نتایج تحقیق در چهار قسمت به نسبت مجزا ارائه می‌شوند. قسمت الف- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌ی مورد بررسی را مطرح می‌کند، قسمت ب- نشان می‌دهد که میزان ارزش زیست‌محیطی افراد در چه سطحی است؛ قسمت ج- نشان می‌دهد که سطح نگرش نوین زیست‌محیطی در بین افراد نمونه چگونه است و در نهایت قسمت د- نیز به این پرسش پاسخ می‌دهد که رابطه‌ی بین ارزش زیست‌محیطی با نگرش نوین زیست‌محیطی چگونه است.

الف: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

پاسخگویان تحقیق حاضر از دو گروه جنسی زن و مرد تشکیل شده‌اند. از مجموع ۳۸۳ نفر مورد بررسی در این تحقیق، ۳۴/۷٪ زن و ۶۵/۳٪ مرد هستند. در میان نمونه‌ی حاضر، ۴/۴٪ بی‌سواد، ۳/۱٪ زیر دیپلم، ۲۹/۲٪ دیپلم، ۱۷/۲٪ فوق‌دیپلم، ۴۱٪ دارای مدرک کارشناسی و ۴/۷٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. در این میان، کارشناسی‌ها بیشترین فراوانی و زیر دیپلم‌ها کمترین فراوانی را دارند. ۰/۵٪ از کل پاسخگویان نیز به این پرسش پاسخی نداده‌اند. همچنین از مجموع ۳۸۳ پاسخگو، ۲/۹٪ از آن‌ها خود را متعلق به طبقه‌ی خیلی بالا، ۱۲٪ طبقه‌ی بالا، ۷۳/۸٪ طبقه‌ی متوسط، ۹/۹٪ طبقه‌ی پایین و ۱/۳٪ طبقه‌ی خیلی پایین می‌دانند. از این میان ۰/۳٪ از پاسخگویان به این گویه هیچ پاسخی نداده‌اند.

ب: ارزش زیست‌محیطی

ارزش زیست‌محیطی، متغیر مستقل این تحقیق است که هفت پرسش برای این شاخص در نظر گرفته شده است. بر اساس کدگذاری منطبق بر طیف لیکرت، دامنه‌ی مقیاس مذکور بین ۷ تا ۳۵ به دست آمده است. جدول شماره‌ی ۱، آماره‌های توصیفی مقیاس ارزش زیست‌محیطی را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی ارزش زیست محیطی

میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	میانه	نما	حداقل	حداکثر
۲۹/۳۶	۳/۷۱	۰/۵۳۸	۰/۰۶۵	۳۰	۲۹	۱۶	۳۵

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در جمعیت نمونه‌ی این پژوهش، میانگین نمره‌ی این متغیر در بین پاسخگویان ۲۹/۳۶ و میانه ۳۰ است. میانگین ۲۹/۳۶ بدین معناست که بیشتر پاسخگویان با ارزش‌های زیست محیطی هم‌نواپی دارند. جدول ۲. توزیع شاخص ارزش زیست محیطی را در سه سطح بالا، متوسط و پایین در بین پاسخگویان نشان می‌دهد. هدف از این امر دسترسی آسان به الگوی پراکندگی پاسخگویان در ارتباط با متغیر ارزش زیست محیطی است.

جدول ۲. توزیع فراوانی شاخص ارزش زیست محیطی

ردیف	وضعیت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	پایین	۱	۰/۳
۲	متوسط	۸۳	۲۱/۷
۳	بالا	۲۹۳	۷۶/۵
	جمع	۳۷۷	۹۸/۴
	اظهار نشده	۶	۱/۶
	مجموع	۳۸۳	۱۰۰/۰

همان‌طور که می‌بینید، ارقام جدول بالا حاکی از آن است که از مجموع ۳۸۳ نفر پاسخگو، ۰/۳ درصد پاسخگویان نمره‌ی زیست محیطی در سطح پایین، ۲۱/۷ درصد نمره‌ی زیست محیطی در سطح متوسط و ۷۶/۵ درصد نمره‌ی زیست محیطی در سطح بالا دریافت کرده‌اند. نتایج این جدول نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۸ درصد از پاسخگویان به ارزش‌های زیست محیطی پایینی دارند.

ج: نگرش نوین زیست محیطی

نگرش نوین زیست محیطی متغیر وابسته‌ی این تحقیق است. در ۱۵ گویه‌ای که برای سنجش این متغیر مورد استفاده قرار گرفت، بر اساس کدگذاری طیف لیکرت، دامنه‌ی مقیاس مذکور بین ۱۵ تا ۷۵ به دست آمد. جدول ۳. آماره‌های توصیفی مقیاس نگرش نوین زیست محیطی را در بین پاسخگویان نشان می‌دهد.

جدول ۳. آماره‌ی توصیفی نگرش نوین زیست‌محیطی

میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	میانه	نما	حداقل	حداکثر
۵۱/۳	۶/۶۶	۰/۴۴۸	۰/۱۹۹	۵۱	۴۹	۳۱	۷۱

نتایج جدول ۳. نشان می‌دهد که در جمعیت نمونه‌ی این پژوهش، میانگین نمره‌ی این متغیر در بین پاسخگویان ۵۱/۳۰ و میانه، ۵۱ است. حداقل نمره‌ی نگرش نوین زیست‌محیطی ۳۱ و حداکثر آن در بین پاسخگویان، ۷۱ است. جدول ۴. توزیع شاخص نگرش زیست‌محیطی را در این سه سطح در بین پاسخگویان نشان می‌دهد.

جدول ۴. توزیع فراوانی نگرش زیست‌محیطی

ردیف	وضعیت	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	پایین	۱	۰/۳
۲	متوسط	۲۸۳	۷۳/۹
۳	بالا	۸۲	۲۱/۴
	جمع	۳۶۶	۹۵/۶
	اظهار نشده	۱۷	۴/۴
	مجموع	۳۸۳	۱۰۰/۰

ارقام جدول بالا بیانگر آن است که از مجموع ۳۸۳ نفر پاسخگو، ۰/۳ درصد از پاسخگویان نمره‌ی در سطح پایین، ۷۳/۹ درصد نمره‌ی در حد متوسط و ۲۱/۴ درصد از پاسخگویان نمره‌ی در سطح بالا دریافت کرده‌اند. نتایج گویای این امر است که نگرش زیست‌محیطی نمونه‌ی مورد بررسی هم‌نواپی قابل‌قبولی با محیط زیست دارد.

د: نگرش زیست‌محیطی و ارزش زیست‌محیطی بر اساس جنسیت

جنسیت متغیری است که برخی از محققان در کارهای خود به آن پرداخته‌اند. سترن و همکاران (۱۹۹۲)، زلنی و همکاران (۲۰۰۰) و دالتپ و وان لایر (۱۹۸۱) نمونه‌هایی از این دست هستند. در این تحقیق نیز به بررسی میزان تفاوت نگرش نوین زیست‌محیطی و همچنین ارزش زیست‌محیطی افراد بر اساس جنسیت پرداخته شده است. جدول ۵ نتایج حاصل از این بررسی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. نتایج حاصل از آزمون T بر اساس جنسیت

متغیر	میزان T	سطح معناداری
نگرش نوین زیست‌محیطی	۱/۹۶۸	۰/۶۵۴
ارزش زیست‌محیطی	۰/۰۰۶	۰/۳۱۶

تحلیل میزان معنی‌داری و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نگرش نوین زیست‌محیطی افراد متأثر از جنسیت آنان نیست و بین زنان و مردان تفاوت آماری چشمگیری در نگرش نوین زیست‌محیطی‌شان دیده نمی‌شود. همچنین جنسیت افراد در میزان ارزش زیست‌محیطی آن‌ها نیز تفاوتی ایجاد نمی‌کند. بدین معنا که بین ارزش زیست‌محیطی زنان و مردان تفاوت آماری چشمگیری در این تحقیق دیده نشده است.

۵: رابطه‌ی بین ارزش زیست‌محیطی و نگرش نوین زیست‌محیطی

همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، بر پایه‌ی مبانی نظری پورتینگا و همکاران (۲۰۰۴)، استرن و دیتز (۱۹۹۴)، شو/رتز (۱۹۹۵)، ارزش باعث شکل‌دهی نگرش‌های زیست‌محیطی است. بر این اساس، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تجربی رابطه بین ارزش زیست‌محیطی و نگرش نوین زیست‌محیطی افراد بوده است. برای آزمون تجربی این رابطه از ضریب رگرسیون استفاده شده است و به همین منظور، جدول شماره ۵، ضریب رگرسیونی ارزش زیست‌محیطی پاسخگویان بر نگرش زیست‌محیطی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۶. ضریب رگرسیونی ارزش زیست‌محیطی پاسخگویان بر نگرش زیست‌محیطی

متغیر مستقل	مقدار B	خط‌ای استاندارد	بتا	مقدار t	سطح معناداری
ارزش زیست‌محیطی	۰/۶۰۲	۰/۰۸۹	۰/۳۳۵	۶/۷۹۹	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۳۳/۶۰	۲/۶۴۷	-	۱۲/۶۹۵	۰/۰۰۰

$$R^2 = ۰/۱۱۲ \quad R = ۰/۳۳۵ \quad F = ۴۵/۴۱۹ \quad (P) \text{ سطح معناداری} = ۰/۰۰۰$$

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی (R) میان دو متغیر ارزش و نگرش زیست‌محیطی برابر با ۰/۳۳۵ و جهت آن مثبت است. مفهومی این است که هرچه نمره‌ی ارزش زیست‌محیطی افراد بالاتر می‌رود، نمره‌ی نگرش زیست‌محیطی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. همچنین سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ حاکی از آن است که رابطه‌ی بین دو متغیر در سطح بسیار بالایی از اطمینان معنادار است. ضریب تعیین ۱۱ درصد است ($R^2 = ۰/۱۱۲$). به بیان دیگر، ۱۱ درصد از تغییرات نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان توسط ارزش زیست‌محیطی آن‌ها قابل تبیین است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر پایه‌ی ادعای پورتینگا^۱، استگ^۲ و چارلز ولک^۳ (۲۰۰۴)، شوآرتز (۱۹۹۵)، استرن و دایتز (۱۹۹۴)، در این تحقیق فرض بر این بوده است که ارزش‌های زیست‌محیطی با نگرش‌های زیست‌محیطی افراد رابطه دارند (۳:۲۰۰۴). بدین معنی که ارزش‌ها ممکن است پایه‌هایی برای شکل‌دهی به نگرش‌ها و کنش‌ها، به مثابه‌ی راهنمایی برای رفتار بسازند (همان). همان‌طور که ملاحظه شد، در تحقیق حاضر نتایج تحلیل رگرسیون دو متغیره برای آزمون، رابطه بین ارزش‌های زیست‌محیطی و نگرش زیست‌محیطی را نشان داد که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین این دو متغیر وجود دارد. بدین معنا که هرچه نمره‌ی ارزش زیست‌محیطی افراد بالاتر رود، نمره‌ی نگرش زیست‌محیطی آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت. مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر (R=۰/۳۳۵ و Sig=۰/۰۰) است. (R²=۰/۱۱۲) نشان می‌دهد که ۱۱ درصد از تغییرات نگرش زیست‌محیطی پاسخگویان توسط ارزش زیست‌محیطی آن‌ها قابل تبیین است. این نتایج را می‌توان با کار استرن، دایتز^۴ و همکاران که معتقدند ارزش‌ها به طور معناداری در تبیین رفتارهای زیست‌محیطی، مانند رفتار مصرفی، شهروندی زیست‌محیطی و ... نقش دارند، مقایسه کرد (پورتینگا، استگ، ولک، ۲۰۰۴). نتایج تحقیق (۱۳۸۹) دیگری که نگارندگان به منظور سنجش رابطه‌ی بین ارزش زیست‌محیطی و رفتار مصرفی در همین منطقه (شهر/رومیة) انجام داده است نیز نشانگر وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین این دو متغیر است. در حقیقت با مقایسه‌ی نتایج این دو تحقیق که در داخل کشور و جامعه‌ی ایرانی انجام شده است با نتایج تحقیقات در کشورهای غربی، این پرسش مطرح می‌شود که آیا این دو جامعه از شرایط یکسان ارزشی در ارتباط با مسائل زیست‌محیطی برخوردارند؟ یا در هر یک از این جوامع به دلایل متفاوت، نتایج مشابه حاصل می‌شود. به بیان دیگر، با استناد به مقایسه‌ی نتایج حاصل از کاربرد پارادایم نوین زیست‌محیطی در جوامع در حال توسعه‌ی آمریکای لاتین و دو منطقه‌ی شمال و غرب ایران (نگاه شود به: صالحی، کریم‌زاده: ۱۳۹۱)، این مقایسه نشان می‌دهد با وجود اینکه مناطق مورد بررسی دانلپ و همکاران و کارون (دانلپ، وان لایر، ۱۹۷۸) با مناطق مورد بررسی در تحقیقات صالحی (۲۰۰۷) و صالحی و کریم‌زاده (۱۳۹۰)، هم از نظر ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و هم از نظر ویژگی‌های دینی با یکدیگر تفاوت دارند، اما در غالب موارد همخوانی و همسویی در نتایج بیشتر از تفاوت‌ها و تضادها به چشم می‌آید.

در ارتباط با شرایط جامعه‌ی غربی، یکی از دلایل عمده‌ای که محققان در خصوص دلیل ارتباط

1. Poortinga
2. Linda Steg
3. CharlsVelk
4. Ditze

ارزش‌ها با نگرش زیست‌محیطی مطرح می‌کنند، این است که در جوامع غربی، تحت‌تأثیر توسعه‌ی صنعتی و ارتقای کیفیت زندگی و برخورداری از رفاه مادی، توجه به سمت و سوی مسائل زیست‌محیطی جلب شده است. اما در شرایطی که در سطح شهر/رومیه چنین ویژگی‌هایی حداقل در سطح افراد مورد بررسی مشاهده نمی‌شود- چه دلایلی برای تبیین این همبستگی می‌توان ارائه داد؟ در ابتدا/ینگله‌هارت با مشاهده‌ی وضعیت کشورهای پیشرفته و توجه آن‌ها به مسائل محیط زیست، ادعا کرد که جوامع باید پیش از اولویت دادن به اهداف محیط زیست گرایانه، به سطحی از ثروت برسند که امکان تأیید ارزش‌های فرامادی را به آن‌ها بدهد. از نظر او، کسانی که در کشورهای غیرصنعتی و در حال توسعه زندگی می‌کنند، بر روی برآوردن نیازهای فوری مانند امنیت و رفاه اقتصادی تمرکز می‌نمایند. به محض آنکه این جوامع به سطحی از ثبات دست پیدا کردند، بر اهداف انتزاعی‌تر مانند آزادی و حفاظت از محیط زیست تأکید خواهند کرد (کلاپتون و مایرز، ۱۳۹۰ صص ۳۸-۳۹). این فرضیه در سطح فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و/ینگله‌هارت دریافت که حمایت از محیط زیست بیشتر در کشورهایی انجام می‌شد که ارزش‌های فرامادی داشتند و سایر پژوهش‌ها چنین تأثیری نداشتند. نظریه‌ی فرامادی/ینگله‌هارت در خصوص ارتباط ارزش‌های زیست‌محیطی با محیط زیست گرای، چندان معتبر باقی نماند و مطالعات بعدی توسط جامعه‌شناسان محیط زیست آن را مورد نقد قرار داد. در واقع *دالپ* و *مارتینگ*^۱ (۱۹۹۶) با استفاده از مجموعه داده‌های مربوط به ۲۲ هزار پاسخگو از ۲۴ کشور طبقه‌بندی شده بر اساس سطح درآمد سرانه، دریافتند که بیشتر کشورها، مشکلات زیست‌محیطی را تا حدودی جدی می‌دانستند. به بیان دقیق‌تر، همه‌ی مشکلاتی که غربی‌ها جدی تلقی می‌کردند، توسط ساکنان کشورهای فقیر نیز جدی تلقی شدند (همان، ۳۹).

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که نظریه‌ی فرامادی/ینگله‌هارت در شرایط جامعه‌ی محلی (رومیه) نمی‌تواند تبیین مناسبی از علت وجود رابطه میان ارزش و نگرش زیست‌محیطی ارائه نماید. به بیان دیگر، اگر مطابق نظریه‌ی/ینگله‌هارت، دغدغه‌ی زیست‌محیطی را مختص کشورهای ثروتمند بدانیم، نتیجه‌گیری نادرست خواهد بود؛ چرا که همانند نتایج تحقیق *دالپ* و *مارتینگ*، نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که در یک جامعه‌ی در حال توسعه نیز نگرش حامی محیط زیست وجود دارد. در حقیقت افرادی چون/ینگله‌هارت مدعی بودند که میزان رشد و توسعه‌ی صنعتی جوامع منجر به ایجاد تغییر در ارزش‌ها، جهان‌بینی‌ها و باورهای زیست‌محیطی افراد و در نهایت نگرش و رفتار زیست‌محیطی آن‌ها می‌شود، ولی در سطح

جامعه‌ی بررسی شده در تحقیق حاضر که سبک زندگی افراد قابل مقایسه با استانداردهای زندگی در دنیای صنعتی و مدرن نیست، نمی‌توان از تبیین فرامادی استفاده نمود. شاید این امر را بتوان نشأت گرفته از همگانی و همه‌جایی شدن دغدغه‌های زیست‌محیطی و پی بردن به اهمیت حفاظت از محیط زیست در سال‌های اخیر دانست.



منابع:

- آزاد ارمکی، تقی (و) ظهیری‌نیا، مصطفی (۱۳۸۹). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده»، فصلنامه‌ی خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳.
- اروین، آلن (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی و محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات دانشگاه مازندران.
- ساتن، فیلیپ (۱۳۹۲)، درآمدی بر جامعه‌شناسی محیط زیست، ترجمه صادق صالحی، انتشارات سمت.
- صالحی، صادق (و) کریم‌زاده، سارا (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه دانش زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هفتم، شماره ۲۴، ۱۷۵-۱۵۹.
- صالحی، صادق (و) کریم‌زاده، سارا (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر رابطه‌ی بین نگرش نوین زیست‌محیطی و مصرف انرژی خانگی»، نشریه‌ی علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، سال نهم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۱.
- کریم‌زاده، سارا (۱۳۸۹)، بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست‌محیطی (مصرف انرژی)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، مرکز تهران.
- لکلایتون، سوزان (و) مایرز، جین (۱۳۹۰)، روان‌شناسی حفاظت از محیط زیست، ترجمه‌ی مجید صفاری‌نیا (و) حسن عبدالله‌زاده، تهران: انتشارات ارجمند.
- Dankelman, I. (2005) **Women: Agent of Changes for the Environment**.
www.aaws07.org/english3/speech/5.2.IreneDankelman.pdf accessed on 07/05/2013.
- Dunlap, R.E., J. Keith Grieneeks and Rokeach. M.(1983). **Human Values and Pro- Environmental Behavior, Energy and Material Resources: attitudes, Values, and Pro-environmental Behavior**, " Energy and Material Resources: Attitudes, Values, and Public Policy, ed. W.D. coon, Boulder, CO: Westview Press. 145-168.
- Dunlap, R. E. and Van Liere, K. D. (1978) **The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrumental and Preliminary Results**. Journal of Environmental Education, 9, pp. 10-19.
- Dunlap, R. E. and Jones, R. E. (2002) **Environmental Concern: Conceptual Measurement Issues**. In Dunlap, R. E. and Michelson, W. (eds.) Handbook of Environmental Sociology. Westport, CT: Greenwood Press, pp. 482-525.
- Ewert, A., & Galloway, G (2006). **Expressed Environmental Attitudes and actual Behavior: Exploring the Concept of Environmentally Desirable Responses**. pp. 2-3.
- Grunert, S. C., and Juhl, H. J. (1995). **Values, Environmental Attitudes and Buying of Organic Foods**. Journal of Economic Psychology, 16, pp.39-62.
- Hedlund, T. (2011) **The Impact of Values, Environmental Concern, and Willingness to Accept Economic Sacrifices to Protect the Environment on**

Tourists Intentions to Buy Ecologically Sustainable Tourism Alternatives.

Tourism and Hospitality Research 11(4), pp.278-288.

- Kaiser, F.G., Wolfing, S. & Fuhrer, U. (1999) **Environmental Attitude and Ecological Behavior.** *Journal of Environmental Psychology*, Vol.19, pp.1-19.
- Karp, D.G.(1996). **Values and Their Effect on Pro-environmental Behavior.** *Environmental and Behavior* 28, pp.111-133.
- Kollmuss,A., Agyeman.J.(2002) **Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-environmental Behavior?** *Journal of Environmental Education Research*, Vol.8, No.3, pp.450-471.
- Nordlund, A. M., and J. Gravill. 2003. **Effects of Values, Problem Awareness, and Personal Norm on Willingness to Reduce Personal Car Use.** *Journal of Environ. Psychol.* 23: 339-347.
- Olsin, J.& zanna, M.(1993) **Attitudes and attitude change.** *Annual Review of Psychology* (44), pp. 117-154
- Poortinga, W.,Steg. L., &Velk, Ch. (2002) **Environmental Risk Concern and Preferences for Energy – Saving Measures.** *Environment and Behavior*, 34 (4), pp. 455- 478.
- Poortinga, W.,Steg. L., &Velk, Ch. (2004) **Values, Environmental Concern, and Environmental Behavior: A Study into Household Energy Use.** *Journal of Environment and Behavior*, 36.
- Rokeach, M.(1973). **The natural of Human Values.** New York: free press.
- Salehi, Sadegh.(2010). **People and the Environment: A Study of Environmental Attitudes and Behavior in Iran,** Lambert Academic Publishing.
- Schultz, p. w. and Zelezny, L. (1999) **Values and Pro-environmental Behavior: a Five-Country study.** *Cross-Cultural Psychology*, 29, pp. 540-558.
- Schultz, p. w. and Zelezny, L. (1999). **Values as Predictors of Environmental Attitudes: Evidence for Consistency across 14 Countries.** *Journal of Environmental Psychology*, 19, pp. 255-265.
- Schultz, p. w. & Gouveia, v. v. et al. (2005). **Values and their Relationship to Environmental Concern and Conservation Behavior.** *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 36, pp. 457.
- Schwartz, S.H.(1994). **Are There Universal Aspects of the Structure and Contents of Human Values?** *Journal of Social Issues*, 50, pp.19-45.
- Scott, D. and Willits, F. K. (1994) **Environmental Attitudes and Behaviour A Pennsylvania Survey.** *Environment and Behavior*, 26 (2), pp. 239-260.
- Stern, P.C.(1992) **Psychological Dimensions of Global Environmental Change.** *Annual Review of Psychology*, 43, pp. 269-302.
- Stern, P.C., Dietz, T., & Guangano, G. A.(1995) **The New Ecological Paradigm in Social-psycho-logical Context.** *Environment and Behavior*, 27, pp.723-743.
- Stern, p. (2000) **Toward a Coherent Theory of Environmentally Significant Behavior.** *Social Issues*, 56(3), pp. 407-424.
- Urien, B., &Kilbourn, W. (2011) **Generativity and Self- Enhancement Values in Friendly Behavioral Intentions and Environmentally Responsible**